



امکان بر بازنمایی اجتماعیات در ادبیات کردی

حسین محمدزاده^۱

استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

تاریخ پذیرش: ۹۳/۰۶/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۲/۲۲

چکیده

هدف این مقاله بررسی بازنمایی موضوعات اجتماعی در ادبیات کردی است. ادبیات کردی مجموعه‌ای پراکنده در دو قالب نظم و نثر می‌باشد که در دو بخش کتبی و شفاهی قابل تقسیم بندی است. مبانی نظری این مطالعه ریشه در مبحث بازنمایی و مباحث متکثری است که در حوزه جامعه‌شناسی ادبیات جریان دارد. در این تحقیق از روش اسنادی و شیوه نمونه‌گیری نظری است که طی آن شش اثر ادب کردی از هر دو بخش کتبی و نظری برای مطالعه انتخاب شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تاریخ اجتماعی و مسائل و مشکلات آن در هر دو بخش کتبی و شفاهی در سطحی وسیع بازنمایی شده است و از

1. Email: H.mohammadz11@gmail.com

همین راه است که بخشی از تاریخ و اجتماع را می توان بازخوانی و بازسازی کرد.

واژگان کلیدی: اجتماعیات، ادبیات کردی، ادبیات شفاهی، ادبیات

کتبی

مقدمه

هیچ جامعه‌ای بدون ادبیات نیست و هیچ ادبیاتی در خلاء اجتماعی خلق نمی‌شود. جامعه‌شناسی ادبیات یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی است که به مطالعه تأثیر و تأثر اجتماع بر ادبیات و پذیرش ادبیات در جامعه می‌پردازد. اجتماعات در ادبیات مفهومی است که در ایران بیشتر به جای جامعه‌شناسی ادبیات متداول گشته است (ارشاد، ۱۳۹۱: ۱۱). هرچند این مفهوم در این معنا نارس بوده و به همین خاطر یوسفیان آن را یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی ادبیات به حساب می‌آورد (یوسفیان، ۱۳۷۸). جامعه‌شناسی یکی از رشته‌های مدرن علوم انسانی است که به "مطالعه زندگی اجتماعی، گروه‌ها و جوامع انسانی می‌پردازد" (گیدنز، ۱۳۷۴: ۱۰). لوکاچ که رابطه‌ای میان ادبیات و جامعه‌شناسی دیالکتیکی تعریف می‌کند، بر این باور است که "ادبیات را هرگز نباید جدای از فرایند تکاملی زندگی در نظر گرفت" (لوکاچ، ۱۳۷۳: ۱۳۷). جامعه‌شناسی ادبیات یکی از جوانترین رشته‌های جامعه‌شناسی است که به رابطه و تأثیر و تأثر جامعه بر ادبیات و ادبیات بر جامعه می‌پردازد، اسکارپیت "جامعه‌شناسی ادبیات را مطالعه میان آفرینش گران (نویسنده، شاعر...) آثار (کتاب، شعر، تئاتر) و مردم (مصرف کنندگان) معنا می‌کند" (اسکارپیت، ۱۳۷۴: ۹). مباحث زیادی حول جامعه‌شناسی ادبیان و گرایش‌های آن در جریان است اما هدف این مطالعه بررسی بازنمایی موضوعات اجتماعی در ادبیات کردی است. ادبیات کردی که پیشینه‌ای عظیم از نظم و نثر در دل خویش نهفته دارد کمتر از نگاه علوم اجتماعی جدید مورد کنکاش و واکاوی قرار گرفته است. با توجه به این امر که تاریخ اجتماعی و مسایل عدیده اجتماعی آن کمتر چاپ شده است و بحث‌های جدید مسیرسختی را می‌آزمایند پرسش این تحقیق این است که آیا امکان بازنمایی اجتماعیات در ادبیات کردی امکان پذیر است؟ و اگر هست کم و کیف این بازنمایی چگونه است؟

جامعه کُردی

با این تعریف مقدماتی برای بررسی اجتماعیات در ادبیات کُردی لازم است هرچند بصورت مختصر خصوصیات فرهنگی و ادبی این جامعه بیان شود. کردها مردمانی هستند آریایی که امروزه در میان کشورهای ایران و عراق و ترکیه و سوریه و بخشی از ارمنستان و آذربایجان سکنی گزیده‌اند، بخشی از آن‌ها در پایتخت چهار کشور مذکور و عده زیادی در کشورهای اروپایی زندگی می‌کنند (مهریوان، ۲۰۰۶: ۷۷). جمعیت کردها در جهان در حدود ۳۰ میلیون نفر بر آورد می‌شود (ولی، ۲۰۰۵). کردهای ایران در استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و ۱۵۹ روستای همدان ساکن هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). کردها در گذشته در یک سرزمین واحد و وابسته به امپراطوری ایران زندگی می‌کردند. در سال ۱۵۱۴ بخش بزرگی از آن‌ها از ایران جدا و به امپراطوری عثمانی سابق الحاق گشت. این بخش جدا گشته پس از جنگ جهانی اول و در سال ۱۹۲۰ مجدداً به دو بخش دیگر تقسیم شد بخشی به سوریه و بخشی به عراق ضمیمه گشت که به ترتیب تحت الحامیه کشورهای فرانسه و انگلستان بودند.

زبان کُردی وابسته به زبان‌های ایرانی و از شاخه هندو اروپایی است. "تحقیقات زبان شناسی مشخص ساخته‌اند که زبان کُردی منسوب به مجموعه‌ای از زبان‌های ایرانی است که شاخه‌ای از زبان‌های هند و اروپایی است و زبان‌های کُردی، فارسی، افغانی و تاجیک را در بر می‌گیرد" (خلیقی، ۱۹۹۲: ۲۵۸). استفاده از زبان کُردی بطور رسمی در مدارس عراق به زمان تشکیل این کشور بر می‌گردد. به همین خاطر زبان کُردی در کردستان عراق رشد و نمو قابل توجهی داشته است. در ایران گرچه در قانون اساسی کاربرد زبان اقلیت‌ها به رسمیت شناخته شده است اما این زبان در مدارس و دانشگاهها تدریس نمی‌شود. وضعیت ادبیات کُردی در ترکیه تا سال‌های کنونی رضایت بخش نبوده، اما این روند در سال‌های اخیر تغییر کرده است. در سال ۱۳۸۸ در ترکیه بیش از سیزده انتشارات کُردی مجوز گرفته اند و وزارت علوم ترکیه تدریس زبان کُردی در دانشگاه به رسمیت شناخته است. کردهای سوریه بیشتر فعالیت‌های ادبی خود را از طریق انتشارات کشور لبنان به انجام می‌رسانند. زبان و ادبیات کُردی بیشتر در روسیه و ارمنستان اما امروزه در فرانسه و آمریکا و سوئد تا سطوح دکتری آموزش داده می‌شود. دانشگاه‌های متعددی از جمله دانشگاه آگزتر در لندن مرکزی برای مطالعات کُردی باز نموده است که دانشجویان در سطوح تحصیلات

تکمیلی در آن مشغول تحصیل هستند.

از نظر مذهبی کردها اغلب سنی بوده اما در کردستان اقلیت‌هایی شیعه، مسیحی، یهودی، زرتشتی، علی‌اللهی و ایزدی هم وجود دارند. بخشی عظیمی از ادبیات کلاسیک کردی بر خاسته از نهاد مسجد و حاصل تلاش روحانیون و طلبه‌های خوش ذوق بوده است. زبان کردی دارای لهجه‌ها و زیر لهجه‌های متعددی است و در مورد تقسیم بندی آن میان صاحب نظران اختلاف عقیده وجود دارد. فواد حمه لهجه‌های مختلف زبان کردی را پس از نقد سایر دیدگاهها بدین شیوه تقسیم بندی می‌کند:

۱- لهجه کرمانجی شمالی (بایزیدی، همکاری، بوتانی، شم‌دینانی، به‌دینانی)

۲- لهجه میانه؛ مکر، سورانی، اردلانی، سلیمانی، گرمیانی

۳- لهجه جنوب؛ لری^۲، بختیاری، ممسنی، کلهر...

۴- گوران؛ گوران اصل، اورامی، باجلانی، زازا (فواد، ۱۹۸۵: ۴۰).

علاوه بر پراکنده‌گی لهجه و گویش‌های زبان کردی رسم الخط آن هم یکسان نیست. کردهای ساکن ایران و عراق از الفبای عربی و کردهای ترکیه از الفبای لاتین کمک می‌گیرند (اوزون، ۲۰۰۳: ۳۷) و کردهای که در ارمنستان و سایر جمهوری سابق شوروی سکنی گزیده‌اند از الفبای سیرلیک. بیان این چند گونگی و تفاوت‌ها قطعاً بر ادبیات قوم کُرد تأثیر ژرف گذاشته است بطوری که این پیش زمینه‌ها و زندگی در شرایط مختلف ادبیات بسیار متفاوت و متنوعی در کردستان به وجود آورده است. اتفاقی نیست که هیچ نظر واحدی در مورد تاریخ ادبیات کرد مورد قبول صاحب نظران این بخش واقع نشده است. علاء‌الدین سجادی در کتاب تاریخ ادبیات کردی آن‌را به سه دوره تقسیم می‌کند از جمله:

۱- ادبیات قدیم داستان از آغاز دوران اسلامی

۲- از ابتدای قرن هفتم میلادی تا قرن ۱۷ میلادی

۳- از قرن ۱۷ تاکنون (سجادی، ۱۳۶۱: ۷۰).

بختیار سجادی در تقسیم بندی تاریخ ادبیات کردی ضمن نقد تقسیم بندیهای تاریخی (دیاکرونیک) از یک تقسیم بندی دوره‌ای یاد می‌کند و آنرا به پنج دوره اردلان‌ها، بابان‌ها، خالدی‌ها، ادبیات قرن نوزده و اوایل سده بیست و قرن بیست تقسیم بندی می‌کند. محمد اوزن رمان نویس و محقق معاصر و متوفی کرد از تقسیم بندی ایالتی این ادبیات دفاع می‌کند

۲. محقق برجسته اسکندر امان‌اللهی بهاروند "لری" را وابسته به زبان کردی نمی‌داند.

از نظر او این دوران ها عبارتند از:

- ۱- مکتب کرمانجی شمال دوران جزیره بوتان که با شاعرانی چون علی حریری (۱۴۹۰ - ۱۴۲۵)، ملا احمد باقی (۱۴۹۵ - ۱۴۱۴) ملاجزیری (۱۶۴۰ - ۱۵۷۰)، فقی طیران (۱۶۶۰ - ۱۵۹۰) و احمدخانی (۱۷۷۰ - ۱۶۵۱).
- ۲- مکتب کرمانجی زیرین یا سورانی به رهبری نالی (۱۸۵۵ - ۱۷۹۷)، سالم (۱۸۶۶ - ۱۸۰۰)، کردی (۱۸۴۹ - ۱۸۰۳) حاجی قادر (۱۸۹۷ - ۱۸۱۷)، شیخ رضا طالبانی (۱۹۱۰ - ۱۸۳۶) وفایی (۱۸۹۲ - ۱۸۳۶) ادب (۱۹۱۷ - ۱۸۶۲)، محوی (۱۹۰۹ - ۱۸۳۰).
- ۳- مکتب اردلان که نقشی بسزا را در توسعه این ادبیات داشت و زبان ادبی آن اورامی بود، بصرانی (۱۷۰۲ - ۱۶۳۱) خانانی قبادی (۱۷۵۹ - ۱۷۰۰)، مولوی (۱۸۸۲ - ۱۸۰۶) (اوزون، ۲۰۰۳: ۲۳).

این تقسیم‌بندی اگر قابل دفاع هم باشد ولی به آن ایراد جدی وارد است. اما در این شرایط نمی توان حکم کلی درباره این تقسیم بندی صادر کرد لیکن فراتر از هر نوع تقسیم بندی این ادبیات دارای دو بخش شفاهی و ادبی است که تاکنون مطالعه دقیق و گسترده‌ای در مورد هیچ کدام از آن‌ها انجام نشده است. بخش نوشتاری ادبیات کردی اکثرا در قالب شعر بیان شده است. کدکنی در یک تقسیم بندی استادانه شعر اجتماعی در قالب چهار گونه شعر حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی دسته بندی می کند. شعر حماسی نوعی شعر داستانی است که جنبه آفاقی دارد و هنرمند از خود تعریف نمی کند. شعر غنایی حاصل لبریزی احساسات شخصی است و محور آن من شاعر است. شعر نمایشی قدرت در نظم و سرعت در تصویرگری حوادث است. شعر تعلیمی در واقع محتوی آموزشی دارد (کدکنی، ۱۳۸۷: ۲۳).

اجتماعیات در ادبیات کُردی

شعر کردی را می توان در دو بخش کلاسیک و نو معرفی کرد، غیر از "خانی" و "حاجی قادر" که شعر حماسی سروده‌اند، قالب شعر اکثریت ادبیات کلاسیک غزل و محتوی آن غنایی است. بزرگترین شاعران کلاسیک کرد خانی و نالی و محوی و مولوی و از نو پردازان می توان گوران، شیرکو، په‌شیو، جلال ملک‌شاه، انور قادر محمد، رفیق صابر و لطیف هلمت زا نام برد. مولوی، محوی و جریری مشهورترین شاعران تصوف کردی هستند. شیخ رضا طالبانی که به چهار زبان فارسی، کردی، عربی و ترکی شعر هجو آمیز سروده است در نوع شاعری

نامی و سر آمداست(تاله‌بانی، ۲۰۰۳). غیر از ژانر شعر، ادبیات کردی در سالهای اخیر در ابعاد رمان و تئاتر هم رشد قابل توجهی داشته است. از رمان نویس های مشهور محمد اوزون، محمود باکسی، حسین عارف، محمد مگری، بختیار علی و عطا نهایی را می‌توان برشمرد. اما هر نوع تقسیم بندی در حوزه ادبیات شفاهی کاری بس مشکل است. واسیلی نیکیتین می‌گوید "آنچه در مطالعه ادبیات کردی آدم را شگفت زده می‌کند رشد بیش از حد فولکلور آن است" (نیکیتین، ۱۳۶۳: ۴۹۸).

شیخ عبدالوحید می‌نویسد "پیش از پانصد سال است که کتاب های کردی در تصوف، قصص و ترانه های فولکلوریک به رشته تحریر در آمده است" (عبدالواحد، ۱۳۷۸). دامنه این فولکلور هم بسیار فراخ و گونه‌های مختلفی ادب شفاهی مثل ترانه‌های مذهبی و عاشقانه و ترانه‌های کار و جنگ و قصص و ضرب‌المثل‌ها در بطن دارد و خود کارهای دیگری می‌طلبند (محمدزاده، ۱۳۸۵). آن چه که مسلم است این است که شعرا و دانشمندان در طی قرن‌ها شعر و داستان و کتاب‌ها را به فارسی و عربی و ترکی نوشته‌اند. بسام کرد اولین شاعر کردی است که به فارسی شعر سروده است و در سال ۲۶۵ ه. ش وفات یافته است (خلیقی، ۱۹۹۲: ۲۸۴). اگر در هر یک از انواع ادبی، نثر به طور کلی دیرتر از شعر به وجود می‌آید (کدکنی، ۱۳۸۷، ۱۸). این امر در مورد ادبیات کردی صادق بوده و شعر در آن قبل از رمان و داستان کوتاه به وجود آمده است (احمدزاده، ۱۳۸۶: ۲۰۴). حیرت‌سجادی می‌نویسد "خطه کردستان زمانی دارالعلم بوده اساتید برجسته و نام‌آوری در انواع علوم قدیمه ظهور نمودند که اغلب کتاب‌ها و اثرات سودمندی از آن‌ها بر جای مانده است و کتب رجال مخصوصا وفيات الاعیان ابن خلکان از آنان به خوبی یاد نموده است" (مدرس، ۱۳۶۳: ۱۴).

علیرغم این نوسانات، شعر کردی سابقه چند قرنی، روزنامه کردی سابقه ای بیش از ۱۰۰ سال دارد^۳ و سابقه رمان کردی هم نزدیک به یک قرن می‌رسد (خزنده دار، ۲۰۱۰، اوزون، ۲۰۰۳، بوره‌کیمی، ۱۳۷۰). این مجموع کار در بر گیرنده صدها اثر چاپ شده است و بررسی آن‌ها زمان و هزینه و نیروی انسانی زیادی می‌خواهد و این امر از عهده این مقاله خارج است.

در هر کار تحقیقی محقق لازم است موضوع مورد مطالعه را در ابعاد زمانی، مکانی و

۳. اولین روزنامه کردی در سال ۱۹۸۹ در قاهره چاپ شد.

موضوعی تحدید کند. به علت حجم عظیم ادبیات کتبی و شفاهی (اغلب شعر)، محقق لازم دید موضوع را به اجتماعات در ادبیات، و آن را به بخشی از این ادبیات که مربوط به کردستان ایران است محدود کند. بدین خاطر حوزه مطالعه به سه اثر در شعر کلاسیک و سه اثر در مورد ادب عامیانه، محدود شدند، در بخش ادب عامیانه و شفاهی به بررسی اجتماعات در ادبیات در سه کتاب "گانی مرادان"، "ژانه ژین" و "تحفه مظفریه" می‌پردازیم و در بخش شعر به بررسی مختصر اجتماعیات در ادبیات در شعر محمد امین شیخ الاسلامی (همین)، قانع و سواره ایلخانی‌زاده، بسنده خواهیم کرد. دلیل انتخاب کتب شفاهی تعداد کم این نوع چاپ‌ها و دلیل انتخاب سایر شعرا وجود وافر شعر اجتماعی آنها بوده است.

وقایعی که در ادبیات بازتاب می‌یابند آن‌هایی هستند که از نظر اجتماعی دارای اهمیت آن چنانی هستند که لازم است بازنمایی شوند تا در حافظه‌ها مانده و جزو خاطرات یک جامعه باقی بمانند. زبان که یک فراورده اجتماعی و بازتاب روح و حیات یک جامعه است فقط نقشی ارتباطی در این میان ندارد. اگر اسکیموها در نواحی شمالی کانادا زندگی می‌کنند و برای حالت‌های مختلف باریدن برف اسم‌های زیادی دارند و اعراب برای نام‌گذاری شمشیر زبان‌شان این چنین تواناست (Nolan & Linski, 1999:33).^۴، زبان کردی در نام‌گذاری بخش‌های مربوط به آب و هوا، نام‌گذاری صداهای مختلف برای سنگ و چوب و گلوله و صدای حیوانات مختلف، نام‌گذاری عمل جنسی برای انسان و حیوانات، و نام‌گذاری سیر تکاملی حیوانات اهلی در حد اعجاب‌انگیزی غنی است. این امر نشان‌دهنده محیط کوهستانی و شیوه‌های شایع زندگی مثل دامپروری و کشاورزی در میان جامعه کردی در گذشته بوده است. بلافاصله بایستی اضافه کرد که سابقه شهرنشینی در کردستان کم‌رنگ نیست و امروزه جامعه کردی یک جامعه شهری است.^۵ اجتماعیات در ادبیات تنها بازتاب شیوه معیشت نیست، بلکه بازتاب هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، سنن، آداب و رسوم، مراسم‌های زندگی اعم از تولد و عروسی و شیون و مرگ، جنگ‌های قبیله‌ای و تاریخی، قشربندی اجتماعی، شیوه‌های مالکیت بر زمین، محصولات مختلف کشاورزی، حوادث طبیعی و... که در ادبیات بازتاب می‌یابند می‌تواند موضوع کار تحقیق باشد. این امر محقق را با حجمی از کار روبرو می‌سازد که گزینش متون به حدی مشکل و مسئولیت‌ساز می‌شود که ممکن

4- Nolan & linski, Human society, 1999:33

۵. جامعه شهری به جامعه‌ای گفته می‌شود که بیش از ۵۰ درصد از جمعیت آن در شهر زندگی می‌کنند. برای اطلاع بیشتر به مقاله مایکل روزنبرگ تحت عنوان کرد و شهر در مجله نویسا، شماره ۲ تابستان ۱۳۸۳ مراجعه شود.

است او را وادار به واگذاشتن کار کند.

الف) بررسی اجتماعات در ادب عامیانه

یکی از کتاب‌های که بخشی از موضوعات اجتماعی در آن انعکاس یافته کتاب "کافی مرادان" است که توسط محقق صلاح پایانی به چاپ رسیده است. او از طریق مصاحبه، ترانه‌ها و نواها را ضبط و آن را بصورت کتاب در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسانیده است. این کتاب راوی، آوازه‌های مردان و زنانی است که شعر و چکامه‌های را مربوط به صلح و جنگ و شیوه معیشت مردم و بی‌وفایی روزگار گفته‌اند، بررسی جزء به جزء این کتاب خارج از حوصله این مجال است و در این قسمت تنها به چند شعر می‌پردازیم که در یکی از آن‌ها به موضوعی تاریخی اشاره دارد که در نگاه اول غریب می‌نماید و آن بحث تجدد آمرانه رضاشاه در آن انعکاس یافته است.

نیزام نیزام پیدا بوو خوزگه م به وانهی پیرن / به سه باز یان نویوم ده مبهن بو قه سه ر شیرین (پایانی، ۱۳۸۳: ۹۴).

"شایعه نظام، نظام بر زبان‌ها جاری است، ای کاش مردی سالمند بودم، چرا که من را جهت سربازی نام نویسی کرده‌اند و من را به «قصر شیرین» اعزام خواهند نمود".

این شعر اشاره به ایجاد سیستم ارتش جدید در ایران دارد که جوانان را جهت سربازی که در آن زمان اجباری نام داشت به پادگان‌ها اعزام می‌کنند که در آن موقع یکی از پادگانها در قصر شیرین بوده است، از آنجا که سربازی رفتن اختیاری نبود جوانان را در هر کوی و برزن می‌گرفتند و به پادگان اعزام می‌کردند. این سیستم نوین آموزشی همراه با پوشیدن کلاه پهلوی و لباس رسمی بود که در شعر دیگری اینگونه انعکاس یافته است.

له خه بابانی شاری له کووچان ریم که ریم که / "په هله وی" ده لئی شه پکه له سه رکه (پایانی، ۱۳۸۳: ۹۸).

"خیابانهای شهر، در کوچه پناهم ده، پناه/ لعنت بر پهلوی باد، / اوست می‌گوید کلاه پهلوی بر سر بگذار".

ستم و استبداد رضاشاه همگانی می‌شود و این استبداد این بار در لای لای مادران بازتاب می‌یابد.

لای لایت بو ده کم به دل و به گیان خوا بتپاریزی له به لای ره زخان

(پایانی، ۱۳۸۳: ۱ X)

"از ته دل و جان برای تو لای لای می خوانم/ خداوند ترا از بلای رضاخان محفوظ بدارد".
می دانیم همراه با استبداد، نظم هم شکوفا می گردد، در شعری عاشقانه این نظم
استبدادی به زیبایی انعکاس یافته است.

له ژیا هاتی بآلت راهه شانده وهک "ئه علاحه زرهت" دونیات دامه زرانده
(پایانی، ۱۳۸۳: ۶۵)

"زان دور دست ها که شتابان آمدی و دست تکان دادی / چونان اعلیحضرت، نظم برقرار
نمودی!".

ژانه ژین (کهریزی، سلیمی، ۱۳۸۷): این کتاب مجموعه ای از لایبی های مادران در نقاط
مختلف کردستان ایران است. در این لایبی ها آرزوی مادران آرزوی یک مادر در یک جامعه
پر محنت و مرد سالار پر از رنج و اضطراب است. دعاها و طلب کمک از خداوند و ملائک برای
درمان دردهای صعب العلاج، در امان بودن پدر، عمو و دایی هاست. دعا برای نجات کودک از
تب عفونت و بیم گرگ نمایان است. نمادهای به کار رفته در این ترانه ها اجتماعی و جامعه
شناختی هستند. تب نشانه بیماری عفونی است چرا در یک جامعه فقیر و در حاشیه مانده،
تب و عفونت امری قابل انتظار است. گرگ نشانه زندگی در منطقه کوهستانی است. در میان
باورهای عامیانه کردها گرگ حیوانی ترسناک است و تنها حیوانی است که تنها از سرو صدا
رم نمی کند بلکه به سوی آن می شتابد. در عین حال دعاها نشان دهنده ناتوانی ساختاری زن
در تقابل با محیط است. اهمیت پدر، عمو و دایی ها به سادگی نشانی از زندگی پدر سالاری و
یا مادر سالاری نیست. چراکه در مادر سالاری دایی ها اهمیت پیدا می کنند. این امر نشانه
نقش حمایتی و سپر بلا بودن مردان در قبال ناملايمات زندگی است.

یا سولتانی مال له و قهده و به رزه کورپه کهم نه گری قهت تهب و له رزه
(کهریزی، سلیمی، ۱۳۸۷: ۵۷)

"ای سلطانی که بر بلندای منزل داری، فرزندم را از تب و لرز برهان".
گورگانه شهوی، گورگانه شهوی به رخه بچکوله کهم خهوی لی که
وی (کهریزی، سلیمی، ۱۳۸۷: ۷۰). / ترجمه / شب گرگی، شب گرگی است، نازنین کوچولوی
من لا لا کن.

تحفه مظفریه: این کتاب توسط محقق آلمانی اسکارمان تهیه شده و به زبان فارسی
ترجمه شده و چون تحقیق در زمان مظفرالدین شاه به پایان رسیده است، آنرا تحت تحفه

مظفریه به مظفرالدین شاه قاجار تقدیم نموده است. این کتاب در برگیرنده چندین «بیت» است که به موضوعات دینی و اجتماعی مختلفی می‌پردازد. بیت داستانهای که توسط شعر بیان شده‌اند اما شعرها دارای وزن خاصی هستند و در مناطق خاصی در کردستان شایع‌اند که امروزه در آذربایجان غربی، تحت عنوان «مُکری» شناخته می‌شوند.

اهمیت کتاب را نمی‌توان در چند صفحه خلاصه کرد، محقق آلمانی دو سال مشغول مصاحبه با افرادی بوده است که این شعرها را از در سینه‌ها حفظ کرده بوده‌اند. بیت‌ها مشتمل بر داستانهای جنگی، تاریخی و ماجراهای عاشقانه هستند، لغات بکار گرفته در آنها اسم مکان‌ها، ادوات و وسایل قدیمی در آن بازتاب یافته است. یکی از داستانهای که در این کتاب بازتاب یافته است داستانی مربوط به دوران صفویه، یکی از حاکمان منطقه تحت عنوان «ابراهیم» قلعه‌ای می‌سازد و آنرا بر کوهی بلند بنا می‌نهد، شیوه ساختن قلعه، شیوه تهیه آب قلعه، بناسازی آن و در نهایت درگیری سرداران صفوی با ابراهیم خان و شیوه گلوله باران قلعه و اسم توپ‌های جنگی قدیمی تحت عنوان «بالمیز» شیوه تقسیم کار جنگی، نقش زنان و سلاح‌های جنگی آمده است.

در این جنگ شاه اسماعیل از طریق نیروهای خود در منطقه به قلعه حمله می‌کند و آنرا به توپ می‌بندد، اسم توپ‌ها به کار گرفته شده در این نبرد "اصفهانی، افشاری و بالمیز،" بوده است. نمونه زیر را بنگرید

دم دم به‌ردی مه‌یدانی، لئی‌دهن توپی ئیسفه‌هانی/توز گرتی به‌ری ئاسمانی مه‌رد چاک
تیدا، ده‌گرن مانی(ئوسکارمان، ۱۳۶۴: ۲۰۷).

قلعه «دمدم» از سنگ بنا شده است، آنرا با توپ اصفهانی در هم می‌کوبند، گرد و خاک آسمان را تاریک نموده است، مردان در آن در کمین‌اند."

ب) بخش نوشتاری

هیمن مشهورترین و نازک‌بین‌ترین شاعر معاصر کردستان ایران است. شعر هیچ شاعری به اندازه شعرهای او به ترانه تبدیل نشده‌اند، برای او مجسمه ساخته‌اند و برایش کنگره گرفته‌اند. "هیمن" به معنای فنی کلمه شاعری تصویر پرداز و زیبایی شناس است. جامعه‌شناسی احساس، زیبایی، خانواده، اهمیت سرزمین و فاصله آرزوها و واقعیت و موانع

ساختاری آرزوها از نمودهای اجتماعی در شعر هیمن است. یکی از کتاب های برجسته هیمن « ناله جدایی» است که مانیفست زندگی هیمن و دنیایی رمانتیک اوست، هیمن شاعری عدالت خواه است، عدالت خواه نه به معنای سوسیالیستی، دفاع از مظلوم بدون تحلیل طبقاتی، دفاع از زنان، دفاع از روستایی در مقابل شهری، دفاع از دهقان در مقابل خان در شعرهای او موج می زند، اجتماعیات در ادبیات استاد هیمن بسیار گسترده و چشم گیر است اما در این مجمل به یکی از نمودهای آن می پردازیم که رابطه و پیوستگی زندگی اجتماعی تأکید می کند و تنهایی و دوری و غربت و فاصله از اجتماع و ارزش های آن را عامل تنهایی و بدبختی و انحراف می داند. دور کیم جامعه شناسی است که شاکله بحث او توجه به نظم و انسجام اجتماعی است، از نظر این جامعه شناس عامل انحراف اجتماعی ناشی از شدت و ضعف همبستگی فرد با زندگی اجتماعی است.

جاکه سهر خۆش بووم به دهنگیکی نهوی	بۆت ده لیم ئه و شیعره به رزه ی مهولهوی
بشنو از نی چون حکایت می کند	از جدایی ها شکایت می کند
نابی قهت ناله ی جو دایی بی ئه سهر	جا چ نه ی بیکا چ پی او ی دهره دهر
بو یه ناله م تیکه لی نه ی کردووه	شیوه نی کم پی ی به نه ی نه کردووه
شیوه نی من شیوه نی ئینسانیه	بانگی ئازادی و گرو ی به کسانیه

(هیمن، ۱۹۷۹: ۱۴)

"در آن هنگام که مست شدم با صدایی آرام و حزین/ بریت می خوانم آن شعر وارسته «مولوی» را/ بشنو از نی چون حکایت می کند/ از جدائی ها شکایت می کند/ ناله فراق هرگز بی اثر نخواهد ماند/ این ناله چه از «نی» برخیزد یا از انسان «آواره»/ بدین منظور ناله ام را با نی ترکیب نموده ام/ شیونی دارم، نی از آن ناتوان بوده است/ شیون من، شیون انسانیت است/ غریو آزادی و بهانه یکسانی است!"

یکی از مباحثی که در جامعه شناسی مورد مباحثه جدی و اکتونوی است، بحث استفاده از تکنولوژی است، تکنولوژی از علم و نگاه علمی برمی خیزد که در خدمت انسان و آسایش اوست، اما این تکنولوژی همچنان که چیزهایی به زندگی انسان می بخشد چیزهای را از او می گیرد، یکی از سخت ترین جهت گیری ها نسبت به نقش تخریبی تکنولوژی در زندگی انسان توسط اعضاء مکتب فرانکفورت بیان شده است، هیمن در شعری شاعرانه از روابط منفی تکنولوژی و زیبایی می گوید:

لهو دهمه‌ی را دلّم لیداوه بو ژووان من دیوانه‌ی چاوی جوانم، چاوی جوان
 گهرچی خه‌لکی ولّاتی چاو جوانانم چاوی جوانم نه‌دی قه‌د به چاوانم
 هه‌تا لاو بووم چاوی جوانم لی ون بوو په‌چه‌و چار شیوم دوژمن بوو
 ئیستا که پیرم و کهو توومه ئاویلکه چاوی جوانم لی ون ده‌کا چاویلکه
 (همین، ۱۹۷۹: ۹۲)

"از زمانی که دلم در طپش میعادگاه بوده است، من شیدای چشم‌های زیبا بوده‌ام، اما گرچه فرزند سرزمین زیبا چشم‌هایم، چشم زیبا را هرگز با چشم‌هایم رویت نکرده‌ام، تا زمانی که جوان بودم چشم زیبا از من پنهان بود، چرا که روسری و چادر مانع بودند، اکنون که پیر و پا در لب‌گور دارم، عینک‌ها چشم زیبا را از من پنهان می‌دارند."

انتقاد از زر و زور و تزویر، نقد بی‌امان روابط زمینداری، وصف زندگی روستایی و مبانی اخلاقی یک زندگی آرام جزو اصول زندگی اوست. او در یکی از شعرهایش بحث جابه‌جایی ارزش‌ها را این‌چنین بیان می‌کند:

به‌لام زبیرت نه‌بی، سووکی ئه‌گه‌ر تو بده‌ی ده‌رسی هه‌زاری وه‌ک شکسپیر

"تو گر پول نداشته باشی، جایگاهی نداری، حتی اگر معلم شکسپیرها باشی."
 در شعر معاصر کردی دفاعی جانانه از حقوق زنان می‌شود و به همین خاطر جامعه پدرسالار به چالش کشیده می‌شود:

ده‌رکی دا خسته‌و له تو بابت که‌چی ده‌رکی نیه‌ده‌رکه داخستن له تو ده‌رکی هومید داخستنه. / ترجمه / "در را از تو بسته پدر بی‌درک / نمی‌داند در را بر تو بستن، در امید بستن است."

دومین اثر از آن "قانع" است. قانع (۱۹۶۵-۱۸۹۸) بی‌شک شاعرترین، شاعر در ادبیات کردی نیست اما احتمالاً یکی از روشنفکرترین و آزاداندیش‌ترین آن‌هاست. یک روحانی نستوه و شجاع که از آداب و رسوم دست و پاگیر، ناهنجاریهای اجتماعی و طبقات سودجو را به باد انتقاد می‌گیرد و برای رسیدن به آزادی آماده است هر نوع هزینه‌ای را پرداخت کند. قانع جغرافیا، قشربندی جامعه، روابط طبقاتی جایگاه زنان، پارلمان را به شیوه واقع‌گرایانه به تصویر می‌کشد و نقد می‌کند، نقد او شیوخ محلی، ملاها، خان‌ها، اعضاء پارلمان و منصوبین ملاک و حتی شکارچی کبوتر را به نقد و چالش می‌کشد. قانع به شیوه‌ای استثنا از حقوق برابر زنان دفاع می‌کند.

قانع به خاطر شفافیت در گفتار و نقد بی‌امان قدرت دوستان و دشمنان زیادی داشته و

علی رغم اینکه وی یک مسلمان خدا شناس بوده و در شعرهای متعدد به این امر اشاره نموده است (قانع، ۲۰۰۵). فرصت طلبان او را به کفر گویی متهم کرده‌اند، خود وی در شعری به این امر اشاره می‌کند.

به کوفری تی‌مه‌گن ئه‌شعاری وردم هه‌مووی په‌ند و دور و مه‌رجانه بو‌تان
(قانع، ۲۰۰۵: ۵۱)

"اشعار عمیق من را کفر به شمار نیارید. / تمام شعرهایم، مثل در و مرجان است برای شما".

در کردستان علاوه بر مذاهب شیعه و سنی، فرقه‌های نقشبندی و قادری هم وجود دارد که پیروان آن‌ها به ترتیب خود را «درویش» و «صوفی» می‌نامند. گاهاً بعضی از مرشدان این فرقه‌ها، قرائت‌های سخت‌گیرانه‌ای از دین و زندگی دارند که با تغییر و نوآوری در زندگی در تضاد هستند. قانع در یکی از شعرهایش این خشک اندیشی را چنین به باد انتقاد می‌گیرد:

بی‌قه زابی مامه «سوفی» تا کوو بی‌ریش پان ئه‌کا،
قل به فل حالی بووه، چی ئیدیعیایی ویزدان ئه‌کا
وا دراوسی‌که‌شفی مانگ وروژ ئه‌که‌ن، ئیمه‌ش شوکور
کاکه درویش وا خه‌ریکه، که‌شفی دوله‌ی نان ئه‌کا
ماموستا کانمان ئه‌لین زور سونه‌ته سواری به‌که‌ر

هه‌ر که‌سی سواری به «فورد» کا، خو‌ی شه‌ریک شه‌یتان ئه‌کا (قانع، ۲۰۰۵: ۷۴)..

"عمو «سوفی» سلامت بادا، تا بماند ریش می‌گذارد / «قل» را به فل فهمیده، اما از وجدان سخن می‌گوید / همسایگان مشغول کشف خورشید و ماه هستند «منظور سفر یوری گاگارین، به کره به ماه است» شکر خدا ما هم درویش برادر، مشغول کشف جا «نانی» است. / پیشروان ما می‌گویند، سواری با خر سنتی است بس دیرینه / هر کسی با ماشین «فورد» سفر کند، خود را شریک شیطان می‌گرداند".

وقتی دانش تجربی تحت عنوان علم پا گرفت، عده‌ای آن را چون آئین جدید، دوران جدید نگریده و نوعی پرستش و پیروی از آن را پیشه کردند، سیانیتسم یعنی علم‌گرایی ایدئولوژی پوزیتیویستی بود که پیروان و مریدان زیادی داشت. غیر از منتقدانی مثل نیچه، ده‌ها سال طول کشید که ضرورت علم و عقل به چالش کشیده شود، قانع این منتقد هوشمند در شعر «همراه با علم» در چند شعر از علم استقبال می‌کند اما استقبال او نه کورکورانه و پرستش‌گرانه بلکه عقلانی و انتقادآمیز است، بنگرید،

چاکی چَلونی مه‌رحه‌با زانین
 باوهرم هه‌یه به سیدق و به‌قین
 شیره گهرچه‌کت کرد به کاره‌با
 بی‌ت‌ه‌لت وشه شار و شار‌ئه‌با
 له دوو پارچه‌دار سنوقی ئه‌که‌ی
 گهرچی جارچاریش زهره‌یش ئه‌ده‌ی
 به‌لام ئه‌ی زانین، لیم زویر مه‌به
 چه‌ز ئه‌که‌م گنج بی، هه‌رگیز پیر مه‌به
 هه‌ر توش ئه‌سبابی خوین رژاندنی
 هه‌ر توش واسینه‌ی ژن قیژاندنی
 گشت خه‌تای تویه ئاهی دل‌ی ته‌نگ
 تو بی‌ده‌سه‌لات ئه‌گویری له ده‌نگ

بَو پِیشک‌ه‌وتنت هه‌زار ئافه‌رین
 هه‌ر تو پِیش ئه‌خه‌ی کومه‌لی بی تین
 ئاسن و دارت وه‌ک کهر بار ئه‌با
 ئافه‌رین له تو، زانین مه‌رحه‌با
 ده‌نگی رَوژه‌لات بو مه‌غریب ئه‌به‌ی
 مشته‌کول له دم هه‌زاران ئه‌ده‌ی
 تو سه‌ر ئه‌ره‌ستوو لیم دلگیر مه‌به
 لابه‌ خزمه‌تکار، شاه و وه‌زیر مه‌به
 هه‌ر توش ئه‌سبابی می‌شک پژاندنی
 هه‌ر توش واسته‌ی خاک بیژاندنی
 گشت خه‌تای تویه له رووی گیتی جه‌نگ
 مالی خه‌ لک ئه‌خون به لوله‌ی تفه‌نگ

(قانع، ۲۰۰۵: ۱۸۴)

"دانش، چطوری، درود بر شما، برای پیشرفت و تلاش تو هزار آفرین،/ من اطمینان و یقین دارم فقط شما هستید که جوامع عقب‌افتاده را به پیش خواهی برد/ شما روغن کرچک را به برق ارتقاء دادی، آهن و چوب تو ماشین است که الاغ بار می‌کشد/ بی‌سیم تو پیغام را شهر به شهر می‌برد/ آفرین بر تو، هزار آفرین،/ از دو تخته چوب صندوق می‌سازید (تلویزیون)/ صدای شرق را به غرب می‌رسانید/ گرچه گه‌گاهی آسیب هم می‌رسانی/ و مشت بر دهان فقرا می‌کوبید/ اما ای دانش از من نگران نباش/ تو را به ارسطو قسم میدهم از من دلگیر مباش/ دوست دارم جوان بمانی و پیر نشوی به سوی ضعفا بیا، شاه و وزیر مباش/ دانش تو اسباب خونریزی هم هست/ تو اسباب متلاشی‌شدن مغزها هم هستی/ تو علت و عامل غریب‌وزنان هستی/ تو علت، زمین‌های سوخته/ آه و ناله رنج دیدگان از توست/ عامل جنگ دو گیتی تو هستی/ تو بی‌قدرتان را غره می‌سازی/ که ملک مردم را به زور می‌ستاند".

قانع شاعر طرفدار راستی و حقیقت است و هر مانعی را مد نظر دارد و نمی‌خواهد روح سرکش خود را خوار کند. او علیرغم این که یک زندگی فقیرانه‌ای افتخار آمیز داشته و می‌دانسته است اگر قلم را در راههای دیگر به کار گیرد در آمد بهتری با هزینه وجودی خواهد پرداخت. قانع می‌نویسد:

قه‌له‌م هوشت له سه‌رخو بی، نه‌نازی قه‌ت به دوو زمانی زمانت لاله‌ له‌م باسه، نه‌نووسی شه‌وکتی جه‌بار
 (قانع، ۲۰۰۵: ۱۱۷)

"قلم هوشیار باش، در منافقی هرگز افتخاری نیست/ زیانت باید لال باشد و هرگز از

شوکت جبار نگوید".

سومین اثر کتبی مربوط به شاعر "سواره" است. سواره یکی از عالی‌ترین شعرای معاصر و نوپرداز است. او متولد ۱۳۲۵ است که در سال ۱۳۴۷ از دانشگاه تهران لیسانس حقوق می‌گیرد، شعرهای او به زبان‌های کردی و فارسی است، بخشی از شعرهای فارسی و کردی او در سال ۱۳۷۲ به چاپ رسیده است که ما به بررسی اجتماعی در آن می‌پردازیم. جامعه‌شناسی شهری یکی از رشته‌های تخصصی جامعه‌شناسی است که به بررسی الگوهای رفتاری در شهر می‌پردازد. مباحثات پیچیده و دامنه‌داری در مورد این حوزه در جریان است. به عنوان مثال یکی از تفاوت‌های که در میان زندگی شهر با روستا وجود دارد این است که در شهر رفتار بیشتر رسمی است و روابط صمیمی و چهره به چهره کاهش می‌یابد. در شهر رفتار عقلانی، اقتصادی‌تر شده و از شدت عواطف و احساسات در رفتارها کاسته می‌شود. این شیوه فکر و رفتار بدون هزینه هم نیست و مشکلات خاصی بدنبال دارد. یکی از جامعه‌شناسانی که به بررسی این شیوه رفتار پرداخته است گئورک زیمل جامعه‌شناس آلمانی است. زیمل می‌گوید انسان‌ها در شهر با تقاضای زیادی روبرو می‌شوند آن‌ها بایستی به طور مرتب انتخاب کنند و از دست بدهند از آن‌جا که انسان‌های شهری با نیازهای زیادی روبرو هستند اما نمی‌توانند به همه آن‌ها پاسخ گویند دچار پدیده‌ای به نام "دلزدگی" می‌شوند. زیمل به همین خاطر شهر را یکی از عواملی می‌داند که انسان را از خود بیگانه می‌کند. حال ببینید که این دلزدگی و از خود بیگانگی در شعر سواره به زیبایی انعکاس یافته است.

گوکم دلم پره له ده رد و کول ئه لیم بروم له شاره که ت
 ئه لیم به جامی ئاوی کانیای دییه که م
 عیلاجی که م کولی دلی پرم له ده ردی ئینتزاره که ت
 وه ره ز بوو گیانی من له شار و هاره هاری ئه و
 له روژی چلکنی نه خوش و تاوو و یاوی ئه و
 ئه لیم بروم له شاره که ت، له شاری له به ر چرای نیغون شه واره که ت
 برومه دی که مانگه شه و بزیته ناو بزه م
 چلون بژیم له شاره که ت که پر به دل دژی گزه م
 له شاره که ت که ره مزی ئاسن و مناره یه، مه لی ئه وین غه واریه

نه لیبی له ده وری ده ست و پیم نه وه ی که تیل و تان و رایه له که له پچه یه
 نه وه ی که په یکه ره میسالی داوه له، نه وه ی که دار تیله ، مه ز هه ری قه ناریه
 له شاره که ت که مه ندی دوو که له ، که دیته ده ر له مالی ده و له مه ند و تیشکی بی
 گوناھی خور نه خاته به ند/ له هه ر شه قام و کووچه بیک شه پوری شینه دی به ره و دلّم/
 ده ستی گه رمی ناشنا نیه که نه یگوشم ده ستی چیبوی یه
 له شاره که ت زه لیله شیر باوی ریویه
 به هه ر نیگا بیک و په تا بیکا نه لیم بروم له شاره که ت
 گولم هه ریمی زونگ و زه لم، چلون نه بیته جاره گول
 له شاری تو له بانی عه رشه قوندره ی دراو
 شاره که ت، نا سکه جوانه که م، ته سکه بو نه وین و بو خه فه ت هه راو
 کی له شاری تو له شاری قاتلی هه ژار، گوی نه داته نا یه تی په راوی دل
 منی که گوچی تاوی گه رمی به ر ده واری عه شیره تم
 به داره ته رمی کووچه ته نگه کانی شاره که ت را نه هاتوو له شم
 بناری پر به هاری دی ره نگی سووروو شین نه دا، له شیر و عاتیفه ی گه شم
 نه لیم بروم له شاره که ت (سواره، ۱۳۷۲، ۱۲۸).

"گل من/ دلّم لبریز از رنج و محنت سرشارست/ گویم کوچ کنم از دیار تو/ گویم با آب
 چشمه ساران روستایم/ علاج کنم التهاب درون را، از درد انتظارت/ گل من روح من از شهر و
 هیاهوی بسی خسته است/ از روز کثیف بیماری و تب و تاب شب‌هایش/ گویم بروم ز شهر
 تو/ در آن شهری که چشم‌ها در درخشش چراغ نئون نابیناست/ گویم به ده بروم که مهتاب
 بر لبخندم بنشیند/ چه سان در شهر تو زندگی کنم/ که با تمام وجود مخالف دوز دوزه‌بازی
 هستم؟/ شهر تو که.../ از هر کوی و برزنی موج‌گریه به سویم روان است/ دست گرم آشنا را
 نیست که می فشارم!/ دست‌ها چوبی است!

در شهر تو شیر در بند و روزگار باب روبه هان است/ عزیزم/ در سر زمین ظلم و مرداب/
 چه سان به غنچه گل خواهد نشست روزی/ در شهر تو کفش ثروت بر جایگاه عرش است/
 شهر/ آهوی نازنینم برای عشق کوچک و برای رنج بزرگ است".

نتیجه

ادبیات یکی از دانش های مادر است. امکان غور در آن زیاد است. ادبیات کردی بیشتر نانوشته و کمتر بازخوانی شده است. لذا بررسی اجتماعیات در ادبیات کردی کاری ساده نیست. جامعه‌ای با پراکندگی زیاد جغرافیایی و سیاسی، با حجم عظیمی از ادبیات فولکلوریک، وجود لهجه‌های مختلف، عدم دسترسی آسان به منابع مکتوب، نبود کارهای پایه‌ای و مبنا در این مورد از جمله این محدودیت‌ها هستند. اما می‌توان گفت این ادبیات مثل هر ادبیات دیگری بازتاب روح جمعی است. این ادبیات بازتاب طبیعت، عشق، کار و کوهستان و آیین ساده زندگی این جامعه بوده است. اما هر چه جامعه به پیش رفته است و تغییرات اجتماعی سریع‌تر گشته است، ادبیات و محتوی آن نیز متحول گشته است. ادبیات قدیم و کلاسیک کردی حاصل مساجد، روحانیون و حتی بخشی عظیم از آن حاصل محیط کشاورزی و دهقانی است. در این دوران شاعران بیش از هر چیز مشغول شعر غنایی بودند. هر چه زمان پیش رفته است ژانرهای ادبی بیشتر شده است و قشرهای بیشتری مشغول تولید ادبیات کردی شده‌اند. هر چند روحانیون و روحانی‌زاده‌گان در این گذار و تا کنون نقشی جدی و انکار ناپذیر داشته‌اند. با تغییر جامعه، قشربندی جامعه بیشتر شده است. غیر از ادبیات شفاهی که بازتاب شفاف افکار جامعه است و مربوط به قشر و طبقه خاصی نیست، تغییرات در آن بسیار چشمگیر نیست و غیر از ترانه‌های عروسی، گونه‌های مختلف فولکلور در حال نابودی است. اما قالب شعر کردی مثل محتوی آن عوض شده است. اگر وزن بخشی از ادبیات کلاسیک مثل مولوی و خانای قبادی پنج هجایی است، قالب شعر نالی و محوی و جزیری در اوزان عربی است. شعر سواره، نیمایی و بخشی از شعر امروز کردی سفید است. با آمدن ایدئولوژی‌های سوسیالیستی و ناسیونالیستی ادبیات نوشتاری کردی نیز از این امر متأثر گشته است. با افزایش نابرابری و وجود آگاهی انتقاد از نابرابری و استبداد نیز افزایش یافته است. امروز در ادبیات کردی وجود طبقات اجتماعی، مشکلات و موانع تحرک زنان، حقوق کودکان و رنج‌های زندگی و ناملايمات زندگی انعکاس بیشتری یافته است. در این سیر تاریخی زبان اهمیتی بیش از پیش یافته است و این امر ناشی از تحولات شدید اجتماعی و حساسیت مساله هویتی است. بر همین اساس پیش از هر چیز جمع‌آوری ادبیات شفاهی و پس از آن مطالعه اجتماعی این آثار بیش از هر زمانی ضروری است.

منابع

- احمدزاده هاشم (۱۳۸۶) از رمان تا ملت، ترجمه بختیار سجادی، انتشارات دانشگاه کردستان، سنندج.
- ارشاد فرهنگ (۱۳۹۱) کندوکاوی در جامعه شناسی ادبیات، آگه، تهران.
- اسکاربیت، پیتز (۱۳۷۴) جامعه شناسی ادبیات، ترجمه مرتضی کتبی، سمت، تهران.
- امین زکی، محمد (۱۳۷۷) تحقیقی تاریخی، درباره کرد و کردستان، ترجمه حبیب الله تابانی، آیدین، تبریز.
- بهاروند، اسکندر (قوم لر،
- حیرت سجادی، عبدالحمید (۱۳۷۵)، شاعران کرد پارسی گوی، نشر احسان، سنندج.
- حیرت سجادی، عبدالحمید (۱۳۶۴) گلزار شاعران کردستان (شامل آثار ۲۵۰ شاعر) چاپخانه رامین، تهران.
- سجادی بختیار (۱۳۶۱) حکایت تاریخ ادبیات کردی (تا اوایل جنگ جهانی اول)، طرح تحقیقاتی - مجری دانشگاه کردستان.
- سرهنگ شیخ عبدالواحد (۱۳۷۸)، کرد و سرزمین‌شان، ترجمه صلاح‌الدین عباسی، نشرامان، تهران.
- سلیمی و کهریزی (۱۳۸۷) ژانه ژین، لالایی مادران کرد، آنا، تبریز.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۶)، زمینه اجتماعی شعر فارسی، نشر اختران، نشر زمانه، تهران.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نی، تهران.
- لوکاج گئورگ (۱۳۷۳) پژوهشی در رئالیسم اروپایی، ترجمه اکبر افسری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مرکز آمار ایران، آمار استانها، ۱۳۸۵.
- محمدزاده حسین (۱۳۸۵) بررسی آواها و نواهای کار در استان کردستان، طرح تحقیقاتی برای صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز سنندج.
- مدرس، عبدالکریم (۱۳۶۹)، دانشمندان کرد در خدمت علم و دین، ترجمه احمد حواری نسب، انتشارات اطلاعات، تهران.
- نیکتین، واسیلی (۱۳۶۳) کرد و کردستان بررسی جامع از دیدگاه سیاسی، جامعه شناسی و

- تاریخی، ترجمه محمد قاضی، کانون فرهنگی انتشاراتی درایت، تهران.
 - یوسفیان، جواد (۱۳۷۸) جزوه جامعه شناسی ادبیات، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

ب) منابع کردی

- ئیلخانی زاده، سواره (۱۳۷۲)، خهوه بهردینه، انتشارات صلاح‌الدین ایوبی، ارومیه.
 - ئوسکارمان، تحفه مظفریه، ترجمه هیمن،
 - بوره‌که‌یی، سدیق (۱۳۷۷) میژووی ویژه‌ی کوردی، I و II، چهر تبریز، تبریز.
 - پایان‌یانی، سه‌لاح، (۱۳۸۳) کانی مرادان، انتشارات للاح الدین ایوبی، ارومیه.
 - حه‌مه خورشید، فوئاد (۱۹۸۵) زمانی کوردی، دابه‌شبوونی جوگرافیایی دیالیکت‌کانی، آفاق غریبه، بغداد.
 - خلیفی، حوسینی (۱۹۹۲)، کومه‌لناسی کورده‌واری، به‌رگی یه‌که‌م، الحوادس، بغداد.
 - سجادی، علاء‌الدین (۱۳۶۱) مئیژووی ئه‌ده‌بی کوردی، معارف، سردشت.
 - قانع، موحه‌مه‌د (۲۰۰۵) دیوانی قانع، کوک‌رندنه‌وه‌ی بورهان قانع، پانیز، تهران.
 - مهربوان وریا (۲۰۰۶) ناسیونالیسم و سه‌فه‌ر، ره‌ه‌ند.
 - نالی، مه‌لاخدری ئه‌حه‌مه‌دی شاه ویسی مکایلی (۱۹۷۶)، دیوانی نالی، تشریح مه‌لا
 عبدالکه‌ریم موده‌رس و فاتح عبدالکریم، محمدی مه‌لاکریم، کوری زانیاری کورد، به‌غدا.
 - هیمن (۱۹۷۹) ناله‌ی جو‌دایی
 - UZUN MEHMED (2003), Antolojia Edebiyta Kurdi, Aram, Istanbul

منابع لاتین

- Nolan & Linski, G (1999). Human society, Paradigm publisher, Boulder, London.
 - Turner & Steta, J. (2005) sociology of emotion, Cambridge University press.
 - Van Bruinessen, M. (2005), "Kurdish Paths to nation. ", SAQE, London Politics", SAQE, London.
 - Vali. A (2005) "The Kurds and Their Identity", SAQE, London Identity, Others: Fragmented Identity and fragmented

